

سر سپردگان انگلیس در ایران

نوشته: ناصر نجمی

فهرست مطالب

۵	مقدمه
۷	میرزا ابوالحسن خان ایلچی شیرازی
۱۳	قیام آقاخان محلاتی
۱۹	اللهیار آصف‌الدوله «قاجاردولو»
۲۵	قتل «گریبایدوف» وزیر مختار روس در تهران
۳۳	حسینقلی خان نواب
۳۷	میرزا آقاخان نوری «اعتمادالدوله»
۴۵	بازی‌های خیانت‌آمیز میرزا آقاخان به زیان حسام‌السلطنه
۶۱	میرزا ملکم‌خان ناظم‌الدوله
۶۷	میرزا حسین‌خان صدراعظم گردید و ملکم‌خان را مورد نوازش قرار داد
۷۹	سیدضیاءالدین طباطبائی
۹۱	حسن تقی‌زاده
۹۵	مختصری از هویت‌نامه حسن تقی‌زاده
۱۰۵	قتل اتابک صدراعظم محمدعلیشاه
۱۱۳	جنگ نفت و تقی‌زاده
۱۲۱	نامه تقی‌زاده به مستر «مارلینگ»
۱۲۷	تصویب امتیاز نفت و تمدید آن به مدت شصت سال
۱۲۹	عباس اسکندری در دوره پانزدهم مجلس
۱۳۳	رحمت‌الله قوامی
۱۳۷	«گله‌داری» مأمور انگلیسی در ایران:
۱۵۷	جمهوری سوار

مقدمه

در حیات سیاسی و تاریخ معاصر ایران، از عصر و دوره قاجاریه، ایران ما گرفتار مصیبت عظیم استعمار دولت بریتانیا در خاورمیانه گردیده تنی چند از دولتمردان کشور ما به دلایل و انگیزه‌های مختلف که در درجه نخست سودای جاه طلبی و سورپرستی بر وجودشان غلبه داشت، مجذوب قدرت فائقه انگلیس‌ها گردیده به سرسپردگی ایشان با قبول خفت ننگ‌آور شرم‌آلوده‌ای تن در دادند. در این دایره و محور سرسپردگی که از هنگام سلطنت فتحعلی شاه قاجار آغاز شد، عناصری که کم و بیش نفوذ و سلطه‌ای در دستگاه‌های اداری و سیاسی کشور ما داشتند برای نیل به هدف‌های والاتر و پشتوانه قراردادن دولت استعماری بریتانیا که همواره با توسعه و گسترش نفوذ تدریجی روسیه تزاری به مزره‌های (شبه قاره هند) که شریان حیاتی استعمار انگلستان قلمداد می‌گردید، در جرگه وابستگان و سرسپردگان و یا به تعبیری دیگر «حقوق بگیران مخفی» انگلیسی‌ها وارد شدند و از پشت به منافع ملی و مصالح مملکتی ایران نامردانه خنجر زدند، اینها کسانی بودند که هرچه «استادازل» انگلیس می‌گفت، همان می‌کردند! در کتاب «سرسپردگان انگلیس در ایران» که اینک در مقابل دیدگان شما قرار دارد، نخبه‌ترین و برجسته‌ترین این افراد به استناد مدارک و اسناد تردیدناپذیر معرفی شده‌اند و نقاب از رخسار

نفرت انگیزشان برداشته شده است.

امید چنان دارم که مندرجات این کتاب برای علاقه‌مندان به درک بسیاری از حقایقی که احتمالاً تاکنون در زیر قشری از غبار گذشت زمان فرومانده و انتشار نیافته است مورد توجه قرار گیرد.

ناصر نجمی

اردیبهشت سال ۱۳۷۸

میرزا ابوالحسن خان ایلچی شیرازی

سفیر فتحعلی شاه به دربار انگلستان و نخستین فراماسون ایران

از جمله چهره‌های برجسته وابستگان ایرانی به دولت استعماری بریتانیا، میرزا ابوالحسن شیرازی فرزند میرزا محمدعلی از اهالی توابع اصفهان بود. ایلچی خواهرزاده حاج ابراهیم خان اعتمادالدوله شیرازی، صدراعظم معروف آقا محمدخان قاجار و فتحعلی شاه بود و او همان کسی بود که دروازه شیراز را به روی آقا محمدخان گشود و پیروزی را بجای اینکه نصیب لطفعلی خان زند بنماید که وزیر و پیشکار زندیه در فارس بود، سرسلسله قاجاریه را کامیاب گرداند.

منطق و دلیل اساسی این عمل ظاهراً نابکارانه چنین بود که میرزا محمد ابراهیم (کلانتر فارس) اعتقاد بر این داشت که لطفعلی خان زند جوانی شجاع و شمشیرزنی کم نظیر بود ولی عاری از استعداد و تدبیر مدیریت و کشورداری بود، در حالیکه آقا محمدخان را که عقده‌های (اخته) شدن بر وجودش مستولی بود کاملاً مستعد برای کشورمداری و تمرکز قدرت اداری و سیاسی ایران میدانست که البته در این داوری چندان راه اشتباه و خطا نیموده بود.

بهرحال حاج میرزا ابوالحسن ایلچی بواسطه بستگی به اعتمادالدوله در زمان صدارت او، مدتی حاکم شوستر بود و بعد از کشته شدن صدراعظم و اکثر

بستگانش به هندوستان گریخته و در حیدرآباد (دکن) توقف نموده در سلک ندیمان نظام حیدرآباد درآمد. او سپس به ایران بازگشت و در شیراز به سمت یساولی حسینعلی خان میرزا فرمانفرما انتخاب گردید.

در سال ۱۸۰۹ میلادی برابر با ۱۲۲۴ هجری قمری که فتحعلی شاه تصمیم داشت سفیری به دربار انگلستان روانه گرداند، میرزا ابوالحسن را به این سمت برگزید و «جیمز موریه» نایب سفارت انگلیس نیز به همراه وی حرکت کرد.^۱ او پس از نه ماه اقامت در لندن و نوش جان کردن آب رودخانه «تیمس» (تایمز)! به اتفاق «سرگوراوزلی» وزیر مختار انگلیس در تهران، به ایران بازگشت و جیمز موریه نیز در معیت وی بود. مدت مسافرت از لندن تا تهران، شانزده ماه طول کشید و علت تأخیر هم این بود که کشتی آنها راه را گم کرده و به بزریل در آمریکای جنوبی رفت



فتحعلی شاه قاجار

۱- «جیمز موریه که ابتداء منشی سفارت انگلیس در تهران بود یکی از مأموران باصطلاح هفت خط انگلیس‌ها در ایران بود و نسبت به ایرانی‌ها نظر مساعدی نداشت بطوری که در کتاب «حاج بابای اصفهانی» خود بسیاری از رجال ایران از جمله ایلچی را بصورت طنز به سخریه و انتقاد گرفته است!.

بطوری که مدت هفت ماه در روی آب دریا سرگردان بودند. در این سفر است که ایلچی با انگلیسی ها کاملاً سازش کرده و در حقیقت نوکر و وابسته آنان شد و به طور آشکار سالانه هزار و پانصد تومان مستمری برای او تعیین کردند.

میرزا ابوالحسن خان از سال ۱۲۲۴ تا ۱۲۶۲ قمری که سال فوتش بود و در چند سالی هم که وزیر خارجه ایران بود مبلغ مزبور را از دولت انگلستان (کمپانی هند) دریافت می کرد.

اگرچه میرزا ابوالحسن خان در مدت اقامت در لندن که با آن لباس جالب و دستار بلند و حرکات جلف، توجه مردم انگلیس بخصوص خانم های اشراف را بسوی خویش جذب کرده بود، برای جلب توجه بیشتر به اعمال و رفتار و حرکات سبک سرانه و مستهجن فراوانی دست یازید که بعداً موضوع تمسخر محافل اشرافی لندن قرار گرفت و مضحک اینجاست که سرگوراوزلی وزیر مختار انگلیس هنگامی که به حضور فتحعلی شاه رسید با تبانی قبلی از میرزا ابوالحسن خان و خدمات صادقانه وی تمجید بسیار کرد و شاه هم قضیه را به ریش بسیار بلند خود گرفته و باورش شد و گفته های سفیر را تصدیق کرده خطاب به او چندبار گفت: «آفرین، آفرین، ابوالحسن، تو روی مرا در مملکت بیگانه سفید کردی! من هم روی ترا سفید خواهم کرد، تو از نجیب ترین خانواده های مملکت من هستی، به حول الهی، من ترا به مقام های بلند می رسانم که اجداد تو دارا بودند!». در این هنگام میرزا ابوالحسن خان برای سپاسگزاری از مراحم فتحعلی شاه! به خاک افتاد بطوری که پیشانی اش به خاک می رسید.»

ایلچی سپس در ۲۵ جمادی الثانی سال ۱۲۲۹ قمری برای تغییراتی در عهدنامه (گلستان) با تحفه ها و هدایای گرانبها به سفارت فوق العاده مأمور دربار روسیه شد و چون (سرگوراوزلی) کارهایی که مأمور و موظف بود که در ایران انجام دهد به خوبی برای دولت متبوع خویش انجام داده بود به انگلستان احضار شد. او نیز دو ماه پیش از حرکت ایلچی به «پترزبورگ» شتافت و از آنجا به لندن رهسپار

گردید. میرزا ابوالحسن خان هم بدون گرفتن کوچکترین نتیجه‌ای از مسافرت خویش پس از سه سال اقامت در سن پترزبورگ، دست از پا درازتر به تهران بازگشت و مانند همیشه بر سر ایران کلاه گشادی گذاشته شد و معاهده گلستان بدون کمترین جرح و تعدیل و تجدیدنظر، به قدرت خود باقی ماند.

در سال ۱۲۳۳ قمری ایلچی مجدداً به سمت سفارت مأمور لندن شد و در جزء فراماسون‌ها به نفع استعمار انگلستان به خدمت سرگرم گردیده و در سال ۱۲۳۶ قمری به ایران بازگشت. ایلچی در سال ۱۲۴۰ قمری به وزارت امور خارجه تعیین شد و این اولین باری است که در تاریخ جدید ایران نامی از وزیر دول خارجه و وزارتی به این نام برده می‌شود. به هرحال ایلچی در ضمن عهده‌دار بودن سفارت انگلستان، سفارت عثمانی - اطیش - و فرانسه را نیز عهده‌دار بود ولی بیشتر اوقاتش را در انگلستان نزد اربابان فراماسونی خود سر می‌برد و حقوق و مزایا و مستمری برقرارگشته از طرف انگلیسی‌ها را دریافت می‌داشت!.

فتحعلی شاه برای امپراطور روسیه چند زنجیر فیل فرستاد

میرزا ابوالحسن خان در حال سوار بر یکی از فیل‌ها به پترزبورگ وارد شد

در میان هدایای گرانبهائی که فتحعلی شاه به وسیله ایلچی (میرزا ابوالحسن خان) فرستاد چند زنجیر فیل دیده می‌شد و ایلچی برای اینکه ابهت و شکوه ظاهری خویش را به رخ تزار روسیه (آلکساندر اول) بکشد خود بر روی یکی از فیل‌ها نشسته به پترزبورگ وارد گردید.

ایلچی قبل از ورود به پایتخت تزار ابتدا به تفلیس گرجستان وارد شده و پس از ملاقات و مذاکره با فرمانده کل قوای روس در قفقازیه به سوی پایتخت به حرکت در می‌آید.

در نزدیکی شهر پترزبورگ به دستور تزار روس (آلکساندر اول) عده زیادی از رجال و بزرگان و سرداران روسیه به استقبال ایلچی آمدند و با جلال فراوان وی را